

زایوه دید

نگاهی به فیلم «شبی که ماه کامل شد»

یک روایت جسورانه

محسن جعفری‌راد

● مطرح‌ترین فیلم ترکس آبیار تا پیش از این، «شیار ۱۴۳» بود که هم در جشنواره فجر خوش درخشید و هم نظر منتقدان را جلب کرد، اما سوزه بکر و ملتهب فیلم تازه او؛ یعنی «شبی که ماه کامل شد»، همه را نگران کرد که کارگردان شیار ۱۴۳ و نفس، چطور می‌تواند داستان روان‌فرسای جنسون فرد عاشققی را که همسرش را به قتل می‌رساند به تصویر بکشد، اما نتیجه کار، فراتر از حد انتظار می‌رود.

استفاده از دوربین روی دست و ساختار بی‌آلایش با دقت به تکانه‌های شدید دوربین و فلوپوکوس‌های بسیار باعث می‌شود که در نیمه اول فیلم شاهد یک شاعرانه ناب در دل طبیعت رنگارک باشیم یا خانه‌ای که بساط عقد را در آن چیده‌اند، اما یک چیز این خانه را به «خانه‌ای روی آب» شبیه می‌کند؛ نگاه‌های خوفناک مادر داماد که مدام به او هندار می‌دهد که وارد این خانه نشود. زمان می‌گذرد و بعد از گشت‌وگذار عبدالحمید و فائزه در کوی‌وبس‌زن و ساختار ویدئوموزیک‌گونه فیلم، حالا شراره‌های خشم نمایان می‌شود و کم‌کم پی می‌بریم که عاشق داستان ما، یکی از اعضای اصلی گروهک جنده‌الله است.

کارگردان با کمی افراط‌وتقریظ، هم فیلم را سانتی‌مانتال می‌کرد و هم ایدئولوژی‌زده، اما چون اساس روایت را بر پایه روابط انسانی گذاشته، برای او پیوست و گسست رابطه زوج داستان مهم است و دیگر هیچ. طراحی صحنه ظرفیت فیلم که آینه‌های متعددی در طول فیلم گنجانده شده که هر یک، بار معنایی خاصی را تداعی می‌کند، به‌خصوص آینه‌های خانه‌ای که فائزه در آن اسیر شده، چهره‌پردازی استادانه که واقعا در نگاه اول، فرشته صدرعرفایی شناخته نمی‌شود یا شبنم مقدمی و هوتن شکبیا که کاملا با نقش آمیخته شده‌اند یا موسیقی فیلم که کارگردان این ریسک را کرده که از موسیقی بومی سیستان وبلوچستان استفاده کند، کاملا با فضاسازی فیلم انطباق دارد.

اما مهم‌ترین برگ برنده فیلم، حال‌وهوای مستندگونه‌ای است که آبیار به جسم و جان فیلم بخشیده است تا علاوه‌بر اینکه اولین کارگردان زن باشد که صحنه‌های اکشن ساخت، اولین کارگردانی باشد در سینمای حرفه‌ای که دو عامل مهم کار خود، یعنی فیلم‌بردار و تدوینگر را به دو سینماگر فعال و موفق عرصه مستند سپرده که حاصل کار نیز موفقیت‌آمیز بوده است و نشان می‌دهد که آبیار ذهنیت انتخابگر و پریسکی دارد. سامان لطیفان که از مطرح‌ترین کارهایش می‌توان به فیلم «آتلان» اشاره کرد، به‌عنوان فیلم‌بردار به پس‌زمینه و پیش‌زمینه، به‌خصوص در نیمه شاعرانه فیلم به‌خوبی توجه کرده و در نیمه دوم هم دوربین او با صلابت رفتار می‌کند، به‌خصوص در صحنه‌هایی که در محوطه خانه فائزه را زردانی کرده‌اند که مدام سرگ می‌کشد، مام‌هایی که در پیش‌زمینه زرده‌های بتونی و در پس‌زمینه چهره فائزه نمایان است یا تصاویر او در تکه‌های آینه که انگار او را قرار است به یک خوب‌باوری برساند یا وادمان باشد که این توجه به آینه از ابتدای فیلم نگاه نشانه‌شناختی کارگردان را نشان می‌دهد.

تحسین‌شده «در جست‌وجوی فریده» است، باید این تصاویر مستندنمایانه را قوام می‌بخشید و در پیوند برش‌ها و کات‌ها، پیوستگی و گسستگی زوج داستان را ملموس نشان می‌داد که حاصل کار نشان می‌دهد موفق بوده است. نجفی‌راد که آبیار هنگام دریافت سمیرخ کارگردانی در جشنواره کابل، به نوعی او را منجی راش‌های فیلم معرفی کرد، باعث شد که سوزه‌ای که پتانسیل افراط‌وتقریظ را داشت، دقیقا در یک مرز معتدل قرار بگیرد.

نکته آخر: در شرایطی که همه به هم مشکوکیم و همه دچار توهم توطئه هستیم، فیلمی ساخته شده که توجه و استقبال داور و منتقد و مخاطب و خاص و عام را جلب کرده و در اکران نیز با وجود فیلم پرستاره کمال تبریزی- اسمش را نمی‌بریم، چون باعث اعتبارش می‌شود- در صدر فروش قرار دارد، اما چرا سعی می‌کنیم ذره‌بین‌به‌دست، فراتر از فیلم، به سراغ سوزن در انبار که بگردیم؟! اینکه بودجه فیلم از کجا آمده، چه کسی سرمایه‌گذاری کرده، فیلم سفارشی بوده و... آیا مثلا برای بینندگان خارجی، کنج‌کاوی ایجاد می‌کند؟! نه... او صرفا جهان معنایی درون فیلم را نشانه می‌گیرد که اگر «تازه» بود کارهای بعدی کارگردان را دنبال کند. نه مثل ما که قبل از اینکه فیلم را دیده باشیم، بدوبیرا تئارش می‌کنیم و آن را با خطاکش سیاسی و حزبی و جناحی اندازه می‌گیریم، غافل از اینکه، تهیه‌کننده بارها گفته که پول مشکوکی در کار نبوده، اصلا جاهایی که باید از آنها حمایت می‌کردند، نکردند و با دست‌خالی این فیلم را ساخته است.

پس سواي حواشی و فرامتن فیلم، با خیال آسوده فیلمی را تماشا کنید که هم صحنه‌های عاشقانه دارد، هم صحنه‌های تعقیب‌وگریز- البته به معنای دقیق کلمه هیجان‌آور و پرتعلیق- هم داستانی برای گفتن دارد و هم نگاه انسانی مستتر در آن که می‌تواند ساعت‌ها و روزها، شما را با خود درگیر کند.

شرق: اولین نشست پژوهشی واحد ارتباطات، آموزش و

پژوهش مجموعه تئاترشهر روز جمعه بیست‌ویکم تیر با عنوان «برتولت برشت، والتر بنیامین و تمامی فرشتگان تاریخ» در تالار مشاهیر این مجموعه برگزار شد. به گزارش واحد ارتباطات، آموزش و پژوهش مجموعه تئاترشهر، اولین نشست پژوهشی از سلسله نشست‌های پژوهشی واحد ارتباطات، آموزش و پژوهش مجموعه تئاترشهر، ۲۱ تیر ۱۳۹۸ با عنوان «برتولت برشت، والتر بنیامین و تمامی فرشتگان تاریخ» به سخنرانی مراد فرهادپور (فیلسوف و نویسنده)، رضا سرور (منتقد و مترجم، نیما عیسی‌پور، مترجم، امین عظیمی، پژوهشگر و منتقد تئاتر و جمع‌کنشیری از علاقه‌مندان تئاتر و فلسفه در تالار مشاهیر مجموعه تئاترشهر برگزار شد. امین عظیمی، مدیر واحد ارتباطات، آموزش و پژوهش مجموعه تئاترشهر، در ابتدای این نشست که به بهانه اجرای نمایش «فرشته تاریخ» به کارگردانی محمد رضایی‌راد برگزار شد، با اشاره به فعالیت‌های نوین پژوهشی و آموزشی مجموعه تئاترشهر گفت: باعث خوشحالی است که بالغ بر ۲۰۰ نفر از نخستین برنامه استقبال کرده‌اند و امیدواریم با استمرار رویکردهای گفت‌وگویی و علمی، در گسترش فضای آموزشی و پژوهشی حوزه تئاتر نقش مؤثری داشته باشیم.

مراد فرهادپور: بنیامین تجلی بخش ماتریالیسم شکست‌است

اولین سخنران این نشست مراد فرهادپور، فیلسوف و نویسنده نامدار ایرانی بود که با ترسیم جایگاه والتر بنیامین به‌عنوان یکی از تاثیرگذارترین نظریه‌پردازان تاریخ ادبیات و فلسفه در حوزه اندیشه گفت: «مرک بنیامین به‌عنوان یکی از چهره‌های کلیدی فلسفه نظری، الهیات و مارکسیسم، در سال ۱۹۴۰ شکستی بزرگ محسوب می‌شد. البته صرف‌نظر از ماجرای دراماتیک خودکشی او لب مرز که در این سال‌ها دیگر برای انسان‌های امروزی دراماتیک نیست، شرایط تاریخی آن دوران و اروپایی که تحت اشغال فاشیسم بود، از بنیامین شخصیتی ساخت که نقش بسیار مؤثری در حوزه الهیات و فلسفه زبان ایفا کرد. او تاثیر زیادی روی شخصیت‌هایی مانند تئودور آدورنو داشت و بخش وسیعی از اعتبار نظری مکتب فرانکفورت، مدیون اندیشه‌های بنیامین بود». مترجم کتاب «ت‌هایی درباره تاریخ» افزود: بنیامین در سایر حوزه‌ها ازجمله نمایش و تئاتر به‌عنوان دوست و همراه برشت، دقیقا همان‌طور که خود برشت به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین نمایش‌نامه‌نویسان قرن تثبیت شده بود، به جایگاه یک منتقد ادبی تثبیت شده است. او از دید برشت، بزرگ‌ترین نایغه زبان و فرهنگ آلمانی لقب گرفته است. این آدم در لحظه خودکشی، شکستی بزرگ را در خود تجربه کرد؛ منتها نکته مهم این است که مرگ او دریچه تازه‌ای بر مفهوم پیروزی و شکست می‌گشاید که برای من درخور توجه است. نویسنده کتاب عقل افسرده در ادامه افزود: بنیامین اثبات کرده بود تاریخ کنشی سیاسی معطوف به خوشبختی است؛ اینکه سعادت برای ما در پیوند با سعادت اذدست‌رفته قبلی معنا پیدا می‌کند. از نظر او، چیزی که نمی‌تواند اهمیت داشته باشد، بهروزی نوداگان و آیندگان است که به شکلی ایجابی به سوی آن هل داده می‌شوند. در بحث معروف بنیامین درباره استعاره مارکس از تاریخ که به‌عنوان «قطار تاریخ» آن را می‌شناسیم، به این نتیجه رسیده بود که این حرکت چیزی جز پیروزی در مسیر کسالت‌بار و خون‌ریز قدیمی نیست. او با تأکید بر مفهوم «گسست»، ما را به این نتیجه می‌رساند که فاجعه از قبل اتفاق افتاده است و برای رهایی از این مهلکه، تنها باید از طریق کشیدن ترمز تاریخ، این لوکوموتیور را متوقف کرد. برای بنیامین تفکر تا حد زیادی از این استعاره متبلور می‌شود. او وقتی از این

زایوه نگاه می‌کرد، دقیقا بر اساس آن جمله که «تاریخ را پژوهشی و آموزشی مجموعه تئاترشهر گفت: باعث خوشحالی است که بالغ بر ۲۰۰ نفر از نخستین برنامه استقبال کرده‌اند و امیدواریم با استمرار رویکردهای گفت‌وگویی و علمی، در گسترش فضای آموزشی و پژوهشی حوزه تئاتر نقش مؤثری داشته باشیم. **مراد فرهادپور: بنیامین تجلی بخش ماتریالیسم شکست‌است** اولین سخنران این نشست مراد فرهادپور، فیلسوف و نویسنده نامدار ایرانی بود که با ترسیم جایگاه والتر بنیامین به‌عنوان یکی از تاثیرگذارترین نظریه‌پردازان تاریخ ادبیات و فلسفه در حوزه اندیشه گفت: «مرک بنیامین به‌عنوان یکی از چهره‌های کلیدی فلسفه نظری، الهیات و مارکسیسم، در سال ۱۹۴۰ شکستی بزرگ محسوب می‌شد. البته صرف‌نظر از ماجرای دراماتیک خودکشی او لب مرز که در این سال‌ها دیگر برای انسان‌های امروزی دراماتیک نیست، شرایط تاریخی آن دوران و اروپایی که تحت اشغال فاشیسم بود، از بنیامین شخصیتی ساخت که نقش بسیار مؤثری در حوزه الهیات و فلسفه زبان ایفا کرد. او تاثیر زیادی روی شخصیت‌هایی مانند تئودور آدورنو داشت و بخش وسیعی از اعتبار نظری مکتب فرانکفورت، مدیون اندیشه‌های بنیامین بود». مترجم کتاب «ت‌هایی درباره تاریخ» افزود: بنیامین در سایر حوزه‌ها ازجمله نمایش و تئاتر به‌عنوان دوست و همراه برشت، دقیقا همان‌طور که خود برشت به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین نمایش‌نامه‌نویسان قرن تثبیت شده بود، به جایگاه یک منتقد ادبی تثبیت شده است. او از دید برشت، بزرگ‌ترین نایغه زبان و فرهنگ آلمانی لقب گرفته است. این آدم در لحظه خودکشی، شکستی بزرگ را در خود تجربه کرد؛ منتها نکته مهم این است که مرگ او دریچه تازه‌ای بر مفهوم پیروزی و شکست می‌گشاید که برای من درخور توجه است. نویسنده کتاب عقل افسرده در ادامه افزود: بنیامین اثبات کرده بود تاریخ کنشی سیاسی معنای وقتی معنای شکست و پیروزی را در نظریه‌های خود تغییر داد، این نکته را نشان داد که تاریخ در معنای ماتریالیستی، تلاشی برای تحقق نبردهای شکست‌خورده قبلی است که اتفاقا همین موضوع او را به‌عنوان چهره و پدیده فلسفه مدرن معرفی می‌کند. او تاریخ را در یک معنا خلاصه کرد: تلاشی برای تحقق آرزوهای شکست‌خورده.

رضا سرور: تئاتر فرشته تاریخ در برابر منش تجاری زمانه‌ایستاده‌است

رضا سرور، مترجم و منتقد تئاتر، آخرین سخنران این نشست بود که تمرکز خود را بر رویکرد نگارش‌ی و اجرایی رضایی‌راد در نمایش‌نامه «فرشته تاریخ» معطوف کرد. او در ابتدای سخنانش گفت: سعی دارم مکانیسم این نمایش را به شما نشان دهم. اگر مفهوم «ژست» در اندیشه بنیامین و برشت را در کانون توجه قرار دهیم، می‌توانیم این‌امر را یکی از مهم‌ترین وجوه نمایش‌نامه «فرشته تاریخ» بدانیم. سرور در ادامه گفت: شگرد ناهم‌زمانی یکی از اولین نتایج به‌کارگرفتن سرشت ژست در نمایش است. این در ساختار نمایش نیز وجود دارد و ما این دویارگی را در کلیت کار رضایی‌راد مشاهده می‌کنیم. ما در اینجا با بنیامین‌هایی روبه‌رو هستیم که به واسطه آشنایی با افراد مختلف یا دوستانشان به نقاط مختلف از جغرافیای دنیا سفر می‌کنند. اینها در جدال با همدیگر هم هستند که در نهایت ژست نهایی بنیامین را می‌سازند. ما حتی در صور خیال نمایش هم خصلت



از چپ به راست: مراد فرهادپور، امین عظیمی، رضا سرور، نیما عیسی‌پور

ناههم‌زمانی» را می‌بینیم. همه اینها باعث می‌شود به «ژست» سقراطوار بنیامین در انتها برسیم. ما در نمایش آقای رضایی‌راد از فرشته تاریخ تا صحنه مرگ سقراط، مجموعه‌ای از تابلوها و ژست‌ها را داریم که نوعی سکون متحرک و تبدیل فیکورها به یکدیگر را ممکن می‌کند. دومین نکته‌ای که می‌توان درباره شیوه نگارش نمایش‌نامه «فرشته تاریخ» گفت، شیوه «آفرینش قهرمان غیرتاریک» مانند آثار برشت است. این مدرس دانشگاه با ذکر مثال‌های مختلف در نمایش‌نامه‌های «برشت» و ارتباط آن با نمایش‌نامه «فرشته تاریخ» بیان کرد: در نمایش رضایی‌راد ما دائما سرنوشت‌های معلق را نه‌تنها می‌شنویم، بلکه بعینه روی صحنه می‌بینیم که چگونه راه می‌روند و وقتی راهی را مسدود می‌بینند، راه دیگری را انتخاب می‌کنند. این شیوه نه‌تنها درباره بنیامین بلکه درباره آسیه لایسیس، معشوق بنیامین هم محقق می‌شود، به عبارتی در همه وجوه نمایش، این پلات‌های موفق را می‌بینیم. نمایش رضایی‌راد به‌دلیل استفاده از آیرونی‌های مختلف برگرفته از متون برشت، اثر بسیار ارزشمندی است. شیوه دیگر رضایی‌راد استفاده از «تمثیل» است که هم برای برشت و هم برای بنیامین بسیار جذاب بوده است. آنها به دو خاستگاه متفاوت از تمثیل علاقه‌مند بوده‌اند، اولی خاستگاه دینی و الهیاتی است و دومی ریشه عرفی آن است؛ یعنی برشت به شکل دوم و بنیامین به شکل اول. وقتی رضایی‌راد تمثیل عروسک و کوتوله را انتخاب می‌کند، این دو خاستگاه تمثیل را این همن پیوند تریاکتیکی است که می‌تواند در برشت و بنیامین می‌شود و در لحظه مرگ و آگاهی که عروسک وارد صحنه می‌شود، تمثیل معنا پیدا می‌کند. رضا سرور در انتهای سخنان خود گفت: من به نکته دیگری درباره ساخت نمایش اشاره می‌کنم و آن سؤالی است که رضایی‌راد در روش‌ور نمایش به آن پرداخته و آن چرایی اجرای نمایشی درباره بنیامین در این زمان است. البته به شکل‌های مختلفی می‌توان پاسخ داد؛ اما من پاسخ خودم را از منظر ژست بیان می‌کنم. والتر بنیامین در مقاله‌ای سؤالی را مطرح می‌کند که تئاتر ایک ژست‌های خود را از کجا به دست می‌آورد؟ او جواب می‌دهد که ژست‌ها تنها در واقعیت امروزی یافت می‌شود و این همان پیوند تریاکتیکی است که می‌تواند در رابطه با تئاتر ایجاد شود. این ضرورت اجرای نمایش در امروز است که ما شاهد ازبین‌رفتن روشنفکران و امحای عمدی آنها هستیم؛ بنابراین شاید یکی از تمثیل‌های جاری در نمایش فرشته تاریخ باشد که به قول برشت بدیهی است، اما ما باور نمی‌کنیم. در تئاتری که انباشته از منش تجاری است، تئاتر فرشته تاریخ این چنین ارزش پیدا می‌کند. سرور درباره شیوه کاری رضایی‌راد در حوزه

در جریان استقبال چشمگیر مخاطبان از نخستین نشست پژوهشی مجموعه تئاتر شهر مطرح شد

«فرشته تاریخ»: ایستادگی در برابر منش تجاری تئاتر زمانه

کارگردانی و هدایت بازیگران نیز گفت: با وجود اینکه رضایی‌راد فکر منسجمی در حوزه نمایش‌نامه‌نویسی دارد و به نظر می‌رسد در حوزه کارگردانی خوب کار می‌کند، اما او در شیوه هدایت بازیگر سیستم مشخصی ندارد؛ به‌طوری‌که من نمی‌توانم تشخیص دهم بازیگری در نمایش‌های او چه ارتباط مستقیمی با هم دارند. بازیگرانی که با او کار می‌کنند، لحظات بلوغ و اوج بازیگری خود را در کارهای او تجربه کرده‌اند، اما این روند ناگهانی است و انگار تضمینی برای تداوم آن نیست. در این تناقض یک آموزه برشتی درباره بازیگری وجود دارد و آن این است که از نظر برشت بازیگر خوب بازیگری نیست که متن متوسط را به‌کار بردد، بلکه بازیگری است که کاستی‌های یک متن خوب را به‌درستی نشان دهد.

نیما عیسی‌پور: مداخله در تاریخ به‌مناب‌ه یک کنش

نیما عیسی‌پور، مترجم کتاب «فهم برشت»، دیگر سخنران این نشست بود. او در ابتدا گفت: از آنجاکه ما، نشست به بهانه اجرای نمایش فرشته تاریخ (محمد رضایی‌راد) برگزار می‌شود، لازم است به این نکته اشاره کنم که رضایی‌راد اثری را به صحنه برده که برآمده از سنت تئاتری ویژه‌ای است. در فضای تئاتری که چیزی به نام سنت شکل نمی‌گیرد، تلاش‌های این‌چنینی در پیوند نظریه و تئاتر شرایطی را فراهم می‌کند تا گفت‌وگویی میان تئاتر و حوزه‌های دیگر برقرار شود. آثار بنیامین امکان‌هایی را در اختیار مخاطبانش قرار می‌دهد که ترسیم‌کننده جامعه‌ای مدرن است. او از آبخشورهای فکری خود که تبلور یافته در قرن ۱۸ بود، جدا شد و در حوزه‌های مختلف تئاتر، مکاتب فلسفی و مطالعات فرهنگی کارش را پیش برد. او در دوران پابانی عمر خود و در جریان نگارش پروژه «باسازها» مستثیری ارائه می‌دهد که نشان‌دهنده سماجت فردی است که می‌خواهد دغدغه‌های خود را به شکلی گسترده ارائه کند. عیسی‌پور در ادامه ضمن اشاره به فعالیت‌های نوشتاری و مقالاتی که بنیامین در حوزه تئاتر منتشر کرده است، افزود: آن چیزی که تائثر را برای بنیامین جذاب می‌کند، تلاقی «دهدایی» است که به امور تئوریزه تبدیل می‌شود. تئاتر برشت از نگاه او تلاش می‌کند مداخله‌ای در یک وضعیت کند که صرفا اثر متعددی نیست. برای او زمانی تئاتر برشت اهمیت پیدا می‌کند که «استراتژی ادبی درست» موجب «جهت‌گیری سیاسی درست» می‌شود و این موضوعی است که او در تجربه برشت می‌بیند. به عبارتی در این فضا نظریه و عمل در یک دیالکتیک سکون قرار می‌گیرند که برای بنیامین دربرگیرنده نکات مهمی است. از این حیث در این دوره از کارهای بنیامین مفاهیم متعددی در حوزه تئاتر برشت مورد توجه قرار می‌گیرند، اما با پیروزی فاشیسم و جنگ جهانی دوم، بنیامین از مفاهیمی که به شکلی شتابان‌تر سراغ آن رفته بود، به‌سوی پروژه باسازها رفت. گرچه او معتقد بود این پروژه‌ها نباید منتشر شود، اما تعدادی از دوستانش بعد از مرگش اقدام به این کار کردند. به‌هرحال برای بنیامین مطالعه تاریخ اشاره به گذشته‌های دور و پرداختن به ایزه‌های تاریخی نیست؛ او به‌دنبال مداخله در تاریخ است که به‌مناب‌ه انجام‌دادن یک کنش محسوب می‌شود، به‌همین‌دلیل تئاتر برای او اهمیت پیدا می‌کند.

در انتهای این نشست لوح یادبود مجموعه تئاترشهر توسط مدیر مجموعه به سخنرانان اهدا شد. در میان حضار کثیری که بسیاری از ابتدا تا انتها ایستاده این نشست را دنبال کردند، نغمه ثمنی، محمدرضا خاکی، رضا بیهودی، محمد رضایی‌راد و... نیز حضور داشتند.

موزه سینما با سرپرست و مدیر موقتش خداحافظی کرده و مدیرعامل جدید بر مسند ریاست موزه نشسته است. لاید تشریفات این انتصاب با اسانامه موزه، حتی نسخه تجدیدنظرشده و مصوب ۱۲ تیر ۱۳۸۶، مطابق بوده است و اکثریت هیئت‌مدیره ایشان را پیشنهاد داده‌اند. لاید سوابق و تجربیات ایشان مبین شایستگی مدیرعامل جدید موزه سینما برای تکیه‌دادن بر این مسند است. حتما همین‌طور است. من البته تا به حال اسام ایشان را -که هنوز در دستم-

الان هم به یاد نمی‌آورم- در محافل و مجامع سینمایی نشنیده بودم. لاید مدیرعامل جدید با تاریخ سینمای ایران به خوبی آشنا هستند، پیش‌گوستوان سینمای ایران را به‌جا می‌آورند و به فراز و نشیب‌های این تاریخ اشراف دارند. حتما همین‌طور است والا منصوب نمی‌شدند. لاید ایشاا در زمینه مدیریت موزه تجربیاتی دارند بی‌دست‌کم مدستی در یک موزه فعالیت کرده‌اند. حتما همین‌طور است والا در این موقعیت قرار نمی‌گرفتند. حتما پیش از این نظرات ویژه‌ای در مورد عملکرد موزه سینمای ایران ابراز کرده‌اند که موجب شده این پست به ایشان پیشنهاد شود و حتما برنامه‌های خاصی برای آینده موزه سینما در نظر داشته و بیان کرده‌اند که باعث شده شجاعت به خرج بدهند و چنین مسئولیت سنگینی را برعهده بگیرند. لاید در مورد واگذاری عمارت اولیه موزه سینما در کوچه پیرنیای خیابان (الغاز به خانه سینما، موضعی از زایوه حفظ منافع موزه دارند و به‌زودی اعلام خواهند فرمود. لاید ایشان هم مثل ما از مشکلات زیرساختی آ‌رشو موزه اطلاع دارند و نگران کرده‌اند که اقدام متعلق به موزه هستند که همچنان در عمارت پیرنیای بی‌صاحب مانده‌اند. حتما همین‌طور است و حتما من از همه‌جا بی‌خبرم که هیچ نشانه‌ای دال بر این واقعیات و مدعا مشاهده نکرده‌ام. بله مشکل از من و ما «بچه‌ها»ست! مسئولان و مدیران هیچ مشکلی ندارند و صلاح مملکت خویش خسروان دانند. با گفتن این حرف‌ها نباید وقت آقایان «ناآشنا» را بگیریم.

هنر

زیر آسمان فیروزهای

راهیابی ۴ فیلم ایرانی به جشنواره ملیورن استراليا

● **گروه هنر:** تعداد فیلم‌های ایرانی راه‌یافته به بخش‌های مختلف جشنواره بین‌المللی فیلم ملیورن در کشور استراليا با تکمیل فهرست فیلم‌ها به عدد چهار رسید.

شصت‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم ملیورن استراليا در سال ۲۰۱۹ فهرست فیلم‌های حاضر در این رویداد سینمایی را تکمیل کرد و علاوه‌بر نسخه ترمیم‌شده فیلم کلاسیک «خشت و آینه» از ابراهیم گلستان و فیلم کوتاه «گذار» به کارگردانی و نویسندگی کیمیا هندی، فیلم انیمیشن «پسر دریا» ساخته عباس جلایی‌پکتا و فیلم کوتاه «تتو» به کارگردانی فرهاد دل‌آرام نیز در این جشنواره روی پرده می‌روند.

انیمیشن «پسر دریا» که پیش از این برنده جایزه ویژه شهر انسی از بخش دورنمای فیلم‌های کوتاه پنجاه‌وهفتمین دوره جشنواره بین‌المللی انیمیشن «انسی» فرانسه شده بود، روایتگر داستان زن و شوهری به همراه پسری است که روی دیوار زندگی می‌کنند. حضور پسر کم‌کم تغییریاتی در زندگی آنها ایجاد می‌کند...

«تتو» به کارگردانی فرهاد دل‌آرام نیز پیش‌تر موفق به کسب جایزه خرس بلورین بهترین فیلم کوتاه از سوی هیئت داوران جوان بخش نسل جشنواره فیلم برلین شده است. در خلاصه داستان این فیلم کوتاه آمده است: برای تمدید گواهینامه رانندگی، دختری جوان به دلیل نتوهایش به شهرک آزمایش فرستاده می‌شود. شصت‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم ملیورن از تاریخ اول تا ۱۸ آگوست ۲۰۱۹ (۱۰ تا ۲۷ مرداد) در شهر ملیورن کشور استراليا برگزار می‌شود.

همکاری صفری وعلینژاد در گورخواب‌ها پیش فروش بلیت از امروز آغاز می‌شود

● **گروه هنر:** پیش‌فروش بلیت نمایش «گورخواب‌ها» به کارگردانی سیامک صفری و تهیه‌کنندگی حمیدرضا علینژاد از امروز آغاز می‌شود.

به گزارش روابط عمومی عمارت نوفل‌لوشاتو، «گورخواب‌ها» جدیدترین تجربه کارگردانی سیامک صفری و نویسندگی خود اوست که با تهیه‌کنندگی حمیدرضا علینژاد از مرداد امسال در عمارت نوفل‌لوشاتو روی صحنه می‌رود و پیش‌فروش بلیت‌های آن از امروز، ۲۳ تیر در سایت تیوال آغاز می‌شود.

بازیگران این نمایش سیامک صفری و نسیم ادینی هستند و حمیدرضا علینژاد که پیش از این نمایش در آثاری مانند «بری» به کارگردانی امیر غفارمنش، «مزامزا» به کارگردانی سیروس همتی، «هامان‌کشان» به کارگردانی علیرضا مهران و فیلم سینمایی «هالیات» به کارگردانی اصغر نعیمی به عنوان تهیه‌کننده حضور داشته، این‌بار نیز تهیه‌کنندگی نمایش «گورخواب‌ها» را بر عهده گرفته است که از روز چهارشنبه دوم مرداد روی صحنه می‌رود. از دیگر عوامل نمایش «گورخواب‌ها» عبارت‌اند از:

مجری طرح: اکادمی هنرهای اجرایی افرا، مدیر پروژه: داوود نامور، جانشین تهیه‌کننده: احسان باقری، مدیر تولید: سپهر تقی‌لو، طراح صحنه و لباس: منوچهر شجاع، دستیار صحنه: هادی بادیا، طراح صدا و موسیقی: محمدرضا جدیدی، طراح گرافیک: امین یابوری، دستیار کارگردان: نیما صفری، مدیر تبلیغات: عرفان پورمحمدی، مدیر رسانه: سید حیدر خانی، تبلیغات مجازی: امیرحسین جوانی، عکاس و ساخت تیزر: امید مهدوی.

سایت تیوال از امروز ساعت ۱۲ برای فروش بلیت باز خواهد شد.

اصغر فرهادی به تماشای «نفرین قحطی‌زده‌گان» نشست



● **گروه هنر:** اصغر فرهادی به همراه پریسا بخت‌آور، عصر جمعه در دومین سانس اجرای نمایش «نفرین قحطی‌زده‌گان» به تماشای این اثر به کارگردانی اشکان خطیبی نشست. خطیبی به پاس حضور فرهادی و بخت‌آور برای اولین‌بار در طول اجراها در رورانس روی صحنه آمد و از آنها تشکر کرد. «نفرین قحطی‌زده‌گان» آخرین هفته اجرای خود را سپری می‌کند و تا چهارشنبه این هفته از ساعت ۲۰ در سالن سمندریان تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه است. آناهیتا درگاهی، میرسعید مولویان، هامون سیدی، نورا پیدایش‌فرد، امیر پاکدل، بهتاش ساکنین و مسعود رضایی بازیگران این نمایش هستند.